دریچه

نهضت سوادآموزی از ابتدا تا کنون

عدالت آموزشی برقرار شده است؟

● **ایسنا:** سابقه رفتن بزرگسالان به مدارسی که برای بچه‌مدرسه‌ای‌ها تدارک دیده‌اند، به سال۱۳۱۵ برمی‌گردد؛ زمانی که «سازمان تعلیم اکابر ایران» تاسیس شد تا از فاصله سواد بین نسل‌ها کم کند. تلاش‌ها البته همزمان با شهریور۲۰ و اشغال ایران، نیمه‌تمام باقی ماند تا مرحله‌دوم سوادآموزی به بزرگسالان در سال۴۱ آغاز شود و هدف خودش را تلاش برای تحقق اهداف توسعه و عمران کشور قرار دهد. می‌گویند «سپاه‌دانش» هم بخشی از این طرح بود و تلاش‌ها تا سال۴۳ ادامه پیدا کرد. مبارزه با بی‌سوادی اما هنوز تلاش‌های بزرگ‌تری را می‌طلبد. همزمان با تشکیل سازمان جهانی به نام «کمیته بین‌المللی پیکار جهانی با بی‌سوادی»، بر فایده‌های اقتصادی سوادآموزی تاکید شد. کمیته ملی مبارزه با بی‌سوادی در همین چارچوب تشکیل شد و فعالیتی که سال۴۹ ادامه داشت بیشتر بر اجرای برنامه‌های آموزشی در کنار سوادآموزی تمرکز داشت.

در مجموع، قبل از انقلاب، پنج‌نهاد مختلف در دوره‌های زمانی متفاوت، سوادآموزی به بازماندگان از تحصیل را پیگیری می‌کردند: سازمان تعلیمات اکابر بین سال‌های۱۳۱۵ تا ۲۰، سازمان آموزش سالمندان بین سال‌های۳۲ تا ۳۵، سازمان آموزش بزرگسالان بین سال‌های ۳۵ تا ۴۳، کمیته پیکار جهانی با بی‌سوادی بین سال‌های۴۳ تا ۵۵ و سازمان جهاد سوادآموزی در فاصله سال‌های سال ۵۵ تا ۵۷. بعد از انقلاب، شعار «ایران را سراسر مدرسه کنیم» روی دیوارها آمد و سر زبان‌ها افتاد و شور انقلابی برای باسوادکردن سریع آنهایی که از درس و مدرسه باز مانده بودند، به تشکیل نهضت سوادآموزی منجر شد. بعد از سرشماری سال۸۵ و آماری که نشان می‌داد عملکرد سازمان نهضت سوادآموزی در فاصله ۱۰سال بین دوسرشماری ۷۵ تا ۸۵ تنها باعث کاهش ۱/۵درصد از جمعیت بی‌سوادان شده است، پیشنهاد انحلال سازمان نهضت سوادآموزی مطرح شد، اما در نهایت این سازمان به یکی از معاونت‌های سازمان آموزش‌وپرورش تبدیل و واحدهای استانی آن در وزارت آموزش و پرورش ادغام شدند.

آمارهای یونسکو می‌گوید ایران در میان ۱۶۴کشور جهان در رتبه۸۶ سوادآموزی قرار دارد. با این حال رییس سازمان نهضت سوادآموزی که معاون وزیر آموزش‌وپروش هم هست، می‌گوید عملکرد این سازمان قابل دفاع است: «در طول ۳۰سال ۳۵درصد نرخ باسوادی را افزایش دادیم. در سال۵۸، ۵۰درصد جمعیت بالای ۶۰سال بی‌سواد بودند. در سال۹۳، ۸۵درصد باسوادند. سرشماری سال۹۰ هم نشان داد نزدیک به ۱۰میلیون از جمعیت کشور و چیزی حدود ۱۵درصد بی‌سواد هستند. این تعداد جدا از افرادی است که سواد خواندن و نوشتن دارند اما کم‌سواد محسوب می‌شوند. با احتساب ۱۰میلیون جمعیت دارای تحصیلات ابتدایی و کم‌سواد و همچنین ۱۰میلیون جمعیتی که تا مقطع راهنمایی بیشتر تحصیل نکرده‌اند، ۵۲درصد جمعیت کشور بی‌سواد یا دارای تحصیلات ابتدایی و سیکل هستند که براساس نظر کارشناسان در خطر بازگشت به بی‌سوادی قرار دارند.» گزارش مرکز آمار از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های۸۵ و۹۰ نشان می‌دهد میزان باسوادی مردان در جمعیت شش‌ساله و بیشتر، به ترتیب ۸۸/۷ و ۸۸/۴ درصد و در زنان به ترتیب ۸۰/۳ و ۸۱/۵درصد بوده است.

بازی، نمایش و تشویق

چگونه قوه‌تخیل کودکمان را پرورش دهیم؟

گردآوری: فاطمه بدیعی

هرکودک با حدود صدمیلیارد سلول مغزی متولد می‌شود که به‌راستی شگفت‌انگیز است. ولی زمانی که کودک نوپاست، شگفت‌آورتر نیز می‌شود. هریک از سلول‌های مغزی کودک تکانه‌های الکتریکی با نام پیام (سیگنال) ارسال و دریافت می‌کند که به کمک مواد شیمیایی در مغز مانند سروتنین، ارتباطات را به‌وجود می‌آورند. در پی تکرار، این ارتباطات به شبکه‌ای مبدل می‌شود که کودک را قادر به فکرکردن و یادگرفتن می‌کند. تا زمانی که سومین سالگرد تولد کودک نوپایتان را جشن بگیرید، مغز او حدود هزارتریلیون ارتباط برقرار کرده است؛ یعنی حدودا دوبرابر بیش از آنچه شما از آن برخوردارید. درحال‌حاضر مغز کودک نوپای شما بسیار متراکم‌تر از آن چیزی است که در آینده خواهد بود و در حال ساختن مسیری است که در بقیه عمر طی خواهد کرد؛ ارتباطی که مرتبا به‌کار گرفته شود، پایدار می‌ماند و آنچه به‌کار گرفته نشود (یا به‌ندرت استفاده شود) دوام نخواهد داشت. به همین دلیل است که متخصصان تاکید بسیاری بر سه‌سال اول دوران کودکی دارند. هرکاری که شما با کودک نوپای خود انجام دهید، از خواندن، آوازخواندن و بازی گرفته تا خوردن و راه‌رفتن، به جهش ناگهانی مغز او کمک می‌کند. زمانی که شما او را در معرض تصاویر، اصوات و احساسات جدید قرار می‌دهید، ذهن او را روی دنیایی بزرگ‌تر و مهیج‌تر می‌گشایید و هنگامی که از تخیل خودتان استفاده می‌کنید، او را هم تشویق به استفاده از این نیرو می‌کنید. برای مثال، هنگامی که می‌گویید: «نگاه کن، من یه ببر تو جنگلم»، «بیا تصور کنیم می‌خوایم به یه مسافرت طولانی بریم» شما مغز او را برای ساختن «راه‌خیالی» مخصوص به خودش تحریک می‌کنید.

نمونه‌های پیشنهادی

کودک شما همچون هر کودک دیگری ذاتا خلاق است، ولی شاید ندانید که از کجا باید شروع کند. با همدیگرخواندن داستان‌هایی درباره سرزمین‌ها و مردم ناشناخته یا کتاب‌های مصوری که به گسترش واژگان لغوی و تصویری او کمک کنند، راه خوبی برای برانگیختن قوه‌تخیل اوست. چگونه می‌توانید تصور کنید که یک لاک‌پشت هستید، وقتی تا به حال آن را ندیده‌اید؟ کتاب‌هایی با عکس‌های فراوان بزرگ رنگی انتخاب کنید و خوشحال باشید که در حال حاضر و قبل از اینکه کودکتان خواندن و پایبندی کامل به متن را یاد بگیرد، می‌توانید هرچه را بخواهید بیافرینید. مغز او هم‌اکنون نیازمند خوراک فکری است. عکس هرچیزی، از سوسک گرفته تا پترواکتیل [نوعی خزنده بالدار که نسل آن میلیون‌هاسال قبل منقرض شده است] را به او نشان دهید، صدای حیوانات و وسایل نقلیه را درآورید، صداهای خاصی را برای شخصیت‌های مختلف تعیین کنید و درباره اتفاقاتی که برای آن شخصیت‌ها رخ داده یا ممکن است رخ دهد، صحبت کنید. شنیدن داستان‌هایی که خودتان ساخته‌اید، به‌خوبی بقیه داستان‌ها و حتی بهتر از آنها می‌تواند باشد. داستان‌های شما نه‌تنها تخیل او را وسعت می‌بخشد، بلکه زمینه شخصیت‌سازی و خلق موضوع‌ها را نیز در کودک می‌پروراند. همچنین اختصاص شخصیت اصلی داستان به کودکتان، روش موثری برای بسط ادراک او از خویشتن است. به‌زودی، کودک نوپای شما شروع به خلق داستان‌ها و ماجراهای خودش خواهد کرد. اگر در آغاز از شما تقلید کرد، نگران نباشید، این شیوه یادگیری کودکان است. همزمان با گسترش قوه‌تخیلش، خلاقیتی که در سناریوهایش به خرج خواهد داد، شما را به حیرت درمی‌آورد.

وسایل بازی‌اش را فراهم کنید

تقریبا هرچیزی می‌تواند وسیله‌ای برای نمایش تخیلی کودکتان باشد. مثلا حوله‌ها جای کلاه باشند، مهره‌های پلاستیکی جواهرات باارزش شوند، پادری‌های کهنه حمام تبدیل به قالی‌های جادویی شوند و انبوهی از حیوانات پشمالوی کودک شما مبدل به جنگل، بیمارستان یا مزرعه حیوانات شوند. چه باور داشته باشید و چه نه، بیشتر اوقات بهترین ابزار نمایش خلاق، وسایل ساده هستند. از آنجایی که بیشتر رفتارها از مخیله کودک شما سر می‌زند، لباس‌هایی با شکل خاص- مثل آنهایی که به یک شخصیت کارتونی خاص مربوط می‌شود- در حقیقت آنقدرها مفید نیست. لباس بَتمن فقط می‌تواند لباس بَتمن باشد. ولی یک کلاه یا حوله ساده برای کودک می‌تواند جای شخصیت‌های مختلف را بگیرد. تا می‌توانید کودکتان را با افراد، مکان‌ها و رویدادهای واقعی روبه‌رو کنید، این بهترین روشی است که داشتن ایده‌های فراوان به هنگام نمایش خلاق را برای کودک تضمین می‌کند.

او را به نمایش تخیلی ترغیب کنید

کودکان با اجرای نمایش وقایع زندگی روزانه و البته خیالی‌شان مطالب بسیاری را فرا می‌گیرند. زمانی که کودک نوپایتان نمایشنامه و گفته‌هایی را می‌آفریند و شخصیت‌هایی را نیز تعیین می‌کند (من بابا هستم و تو بچه‌ای و مریض شده‌ای)، مهارت‌های اجتماعی و زبانی خود را پرورش می‌دهد. هنگامی که کودک به بازسازی نمایش‌هایی در رابطه با احساس ناراحتی، خوشحالی، ترس و امنیت می‌پردازد، مسایل عاطفی را با خود تمرین می‌کند. خود را به شکل ابرقهرمان، اسب یا جادوگر تصور کردن به او حس قدرت می‌بخشد و به او می‌آموزد که خودش در رأس هرچیزی است، او می‌تواند هرکسی که می‌خواهد باشد. علاوه بر این او به تمرین نظم و انضباط هم می‌پردازد و به تنهایی یا با دوستانش قوانینی را وضع می‌کند. البته قوانین پیچیده‌ای که کودکان بین خودشان به اجرا می‌گذارند، همواره بزرگ‌ترها را به تعجب وامی‌دارد. همچنین زمانی که کودک چگونگی رفتار قورباغه یا سگ را در موقعیتی خاص به تصویر می‌کشد در واقع دارد به گسترش فهم خود از علت و معلول می‌پردازد. شاید مهم‌ترین دستاورد ایجاد موقعیت‌های تخیلی و ادامه آن تا رسیدن به نتیجه، آن باشد که به کودک تفکر خلاق و شیوه حل مسایل را آموزش دهد. بنا بر یکی از تحقیقات انجام شده، زمانی که کودکان خلاق بزرگ می‌شوند، نه‌تنها همگام با رشدشان تمایل به حفظ این ویژگی دارند، بلکه مشکلات پیش‌رو را بهتر می‌توانند حل کنند.

ریخت‌وپاش را تحمل کنید

خیال‌پردازی شلوغ‌کاری را هم به همراه دارد و هیچ‌تردیدی در آن نیست. هانسل و گرتل‌شدن کودک، یعنی آثار خرده‌نان در هرجای اتاق نشیمن یا جادوگر و ساحره‌شدن به این معناست که در نهایت دسته‌جارو به سر کسی اصابت می‌کند. به‌عنوان یک‌راهبرد می‌توانید انبار مهمات او را محدود کنید که می‌تواند بسیار سودمند باشد. پوشیدن برعکس پیراهن‌های کهنه با آستین‌های بریده شده روپوش مناسبی می‌تواند باشد؛ پهن کردن زیرانداز پلاستیکی زیر محل گل‌بازی نیز از سطح میز محافظت می‌کند؛ پوشاندن میز (یا کف زمین یا دیوار) با ورقه‌های بزرگ کاغذ آستری می‌تواند مانع از رنگی شدن آنجا شود. تعیین محدودیت‌ها (با شمشیر همدیگر را نمی‌زنید! پرتاب گلوله برفی به سروصورت ممنوع! اجازه ندارید معجون‌های اختراعی آشپزخانه را بخورید!) و به اجراگذاشتن آنها بسیار مهم است. این کار در نهایت موجب خشنودی شما و کودکتان می‌شود. روانشناسان بر این عقیده‌اند که هرچند دوستان خیالی خوب هستند ولی اگر کودکتان شروع به مقصر دانستن آن دوست به‌دلیل کاری که خود انجام داده است، می‌کند زمان برخورد با واقعیت فرا رسیده است. با این همه هروقت می‌توانید، به کودکتان اجازه دهید اندکی با بقایای پرواز خیالش زندگی کند.

از وجود تفاوت‌ها لذت ببرید

زمانی که کودکتان سه‌روز تمام برای پوشیدن لباس آدم فضایی یا بال‌های فرشته‌ای در مهد کودک به شما التماس می‌کند، ممکن است سردرگم شوید. بزرگسالان عادت دارند تفاوتی آشکار بین رفتار «در جمع» و «در خلوت» قایل باشند (زیرپوش کهنه بدبو و دمپایی روفرشی خرگوشی زوار دررفته‌ات برای خانه خوبه، نه برای سوپرمارکت)، و مشکل است که تصور کنید کودکان نوپا اینگونه فکر نمی‌کنند. ولی زمانی که مجبور به برخورد می‌شوید (تو باید بال‌های فرشته‌ای را همین حالا در بیاری!) باید به‌خاطر داشته باشید که کودک شما هنوز این حدومرزها را نمی‌شناسد پس جایی برای نگرانی وجود ندارد. علت آن نیست که کودکتان در دنیای خیالی گم شده است، او فقط بازی‌اش را تمام نکرده است. ما بزرگ‌ترها به هدف‌هایمان می‌اندیشیم- به انجام‌رساندن بیشترین مقدار کار در کمترین زمان ممکن - و نگران نظر دیگران هستیم و به‌تبع آن، دچار احساساتی نظیر اضطراب می‌شویم. البته این عادت‌ها مثبت هستند؛ در واقع ما آنها را یاد می‌گیریم چون به ما کمک می‌کنند تا در جامعه خوب ظاهر شویم و در کارها موفق باشیم. ولی واقعیت امر آن است که این عادات در تضاد با شیوه زندگی خلاقانه آزاد است. به عبارت دیگر شاید درک آن مشکل باشد، ولی اگر از دیدگاه قوه‌تخیل به آن بنگریم، در واقع دارید بار و بنه زیادی را بر دوش خود حمل می‌کنید.

شنونده باشید و تشویق کنید

درست است که آلیس در ذهن لویس کارول شکل گرفته است، ولی اگر وی این ماجراها را روی کاغذ نمی‌آورد، همه ما یک‌قدم عقب‌تر بودیم. بخشی از تقویت تخیل آن است که یاد بگیریم آن را با دیگران قسمت کنیم. بهترین راه برای آنکه کودک نوپا بتواند به این مرحله جدید قدم بگذارد، شنونده خوب‌بودن است. مهارت‌های زبانی کودکان نوپا چندان زیاد نیست، صدالبته که با تمرین بهتر می‌شود. بخش‌های یک داستان را جایگزین کنید: در حالی که مشغول رانندگی هستید، بگویید، «روزی‌روزگاری سگی بود که با دختر کوچیکی به اسم مالی زندگی می‌کرد. اونا دوست داشتن برن پارک. یه‌روز...» بعد نوبت را به کودکتان بدهید. اگر او نمی‌تواند بخش کاملی را بازگو کند، دست‌کم می‌تواند مشارکت کند: از او بخواهید که برای دختر کوچک و سگ اسم بگذارد. زمانی که کودک شما تصویری را می‌کشد، از او بخواهید آن را برای شما تفسیر کند. به جای آنکه بگویید «چه خونه قشنگی!» (مگر اینکه کودک شما یک جوجه لئوناردو باشد، وگرنه امکان زیادی هست که درهرحال اشتباه حدس بزنید)، بگویید «چه رنگای قشنگی‌رو استفاده کردی.»اجرای نمایش تخیلی به کودکتان امکان می‌دهد که به هرکس که می‌خواهد تبدیل شود، آنچه را باید فرابگیرد، تمرین کند و هرچیزی را آنطور که می‌خواهد ظاهر کند.

یادداشت

زنان بدسرپرست قربانیان بالقوه اسیدپاشی

فاطمه دانشور
نماینده شورای شهر تهران

● اسیدپاشی‌های اصفهان، هرچند زخم عمیق و ماندگاری برچهره اجتماعی و فرهنگی کشورمان نشاند، ولی باعث جلب‌توجه جامعه و رسانه‌ها به درد کهنه و پیشرونده‌ای شد که از سال‌ها پیش در رگ و پی این اجتماع ریشه دوانده و مورد غفلت و سهل‌انگاری واقع شده است. منظورم تنها پدیده «اسیدپاشی» نیست که در این چندماه، به وفور درباره آن خوانده و شنیده‌ایم؛ بلکه در پشت این اسم، انگیزه‌ها و علت‌ها و نقصان‌هایی نهفته است که زمینه‌ساز چنین آسیبی شده و اگر فکری به حال این دردهای نهفته نکنیم، هرچند وقت یک‌بار باید شاهد سر بازکردن‌شان از گوشه‌وکنار جامعه باشیم. مدتی پیش برای دلجویی از برخی قربانیان اسیدپاشی، با زن کرمانی‌ای دیدار داشتم که به همراه دودختر خردسالش، مورد حمله اسیدپاشی همسر بزهکارش قرار گرفته‌اند و اکنون با عوارض دردناکی همچون نابینایی و ازدست‌دادن چهره و انزوای اجتماعی دست به گریبان‌اند. شنیدن قصه این زن از زبان خودش و در آغوش گرفتن دخترک چهارساله‌ای که در بی‌خبری کودکانه‌اش، هنوز از جنایتی که بر او رفته و زندگی‌اش را تباه کرده، آگاه نیست، دردناک و جانکاه بود و مرا بر آن داشت تا یک‌آسیب اجتماعی جدی و مهلک را این بار از منظری متفاوت بررسی و موشکافی کنم. همه می‌دانیم که تا امروز درصد بالایی از قربانیان اسیدپاشی، زنان بوده‌اند و انگیزه تعداد قابل‌توجهی از اسیدپاشان هم، مشکلات خانوادگی بوده است. این بانوی کرمانی هم، مانند ده‌ها زن دیگری که به بهانه‌های مختلف همچون درخواست طلاق، اتهام خیانت، اختلافات زناشویی و... مورد حمله اسیدپاشی همسران‌شان قرار گرفته‌اند، زنی «بدسرپرست» بوده است. «بدسرپرست» اصطلاحی است برای زنانی که به ظاهر متاهل هستند، ولی در واقع از حضور و حمایت مالی و عاطفی همسران‌شان برخوردار نیستند. همسران این زنان به‌علل مختلفی همچون بزهکاری، اعتیاد و اختلالات شخصیتی آنها را ترک کرده‌اند و این زنان در بلاتکلیفی به سرمی‌برند. برخی از این زنان اگرچه توسط شوهران‌شان ترک نشده‌اند ولی عملا به حال خودشان رها شده‌اند تا مخارج زندگی خانواده را تامین کنند و همزمان، مورد آزار و شکنجه روحی و جسمی از سوی همسران‌شان قرار بگیرند. چنین زنانی که تعدادشان به هیچ‌وجه کم نیست، اگرچه از اسم و رسم شوهر در شناسنامه برخوردارند ولی در حقیقت، به‌صورت دایمی یا موقت بی‌سرپرست محسوب می‌شوند. با این وجود آنها از هیچ‌یک از قوانین حمایتی و تسهیلاتی که به زنان بی‌سرپرست یا سرپرست خانوار اختصاص یافته، برخوردار نیستند و خدمات مختصر نهادهایی مثل سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام هم برای حمایت از آنها و فرزندان‌شان کافی نیست. در حقیقت زنان بدسرپرست یکی از مظلوم‌ترین و آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه هستند که به‌علت موقعیت متزلزل‌شان، که هم شوهر دارند و هم ندارند، نه‌تنها از بسیاری از حقوق اولیه خود محروم هستند، که از حمایت قانونی محکم و قابل‌اتکایی هم، در مقابل تعرض کسی که قرار است حامی و پشتیبان‌شان باشد، برخوردار نیستند.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۱۶۰ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- نوار دورتادور بدنه اتومبیل- شکست‌خوردن لشکر- منسوب به یمن ۲- ترسو- پست و فرومایه- مجاور ۳- شلوغی همراه با سروصدا- ذکر حاجیان در مراسم حج- یکی، دو پیرهن بیشتر از غنچه پاره کرده است ۴- آینده- قاضی ورزشی- چندرییس ۵- نام قدیم بندرعباس- مظهر سردرگمی- کودن ۶- کاشتن بوته برنج- نوعی زردآلو- سخن در گوشی ۷- دوزخ- اتحادیه جهانی پست- بزرگداشت ۸- همسر زن- سمت‌وسو- از محبت دیو... می‌شود- نت سوم ۹- جنگی بین نادرشاه و شاه‌کورکانی- ماشین خاکبرداری- حد معین از چیزی ۱۰- همدم و مونس- سومین فرمانروای خوارزمشاهی- گردش کودکانه ۱۱- طرف و جهت- اشتباه لفظی یا رفتاری- پایتخت آلبانی ۱۲- الهه عشق و زیبایی- گلدسته- واحد شمارش اسب ۱۳- گل سرخ- درنگ و آهستگی در کار- مشهورترین گردشگاه جنوب شهر مشهد ۱۴- مقابل‌بردن- فراخواندن- جست‌وجو و پژوهش ۱۵- در امانت روا نیست- غمخواری- تکیه بر پشتی.

افقی:

۱- از درختان زیبا و پرشاخ و برگ- حفره ۲- شوخی- بلند آوازه- گوشه نشین ۳- معادل فارسی فلاسک- بدذات و خبیث- نشانه مفعولی ۴- شهری در لرستان- فرصت- گرفتن ۵- گاز لامپ‌های تبلیغاتی- مسافر سرزمین عجایب- ضمیری عربی ۶- واحد نظامی بزرگ‌تر از گردان- پیشرفته و مدرن- قلعه‌رودخان را در این شهر گیلان می‌بینید ۷- پارسا و پرهیزکار- واحد پول روسیه- بافته شده ۸- صدمه- گروه مجهز- لازم و ضروری- عموی عرب ۹- مبتلا به بیماری سل- رمز پیروزی است- بی‌حرکت‌شدن ۱۰- شمشیر تیز- واحد طول روسی معادل ۱۰۶۷متر- خطی در دایره ۱۱- یک‌نفر- تبهکاران- سوغات کرمان ۱۲- هر عمل زشت و ناپسند- کندن علف‌های هرز- به گیتی به از... پیشه نیست ۱۳- تکرار حرفی از الفبا- مایه عذاب و دردسر- وسیله‌ای برای سنجش ارتفاع صوت ۱۴- خوراکی از اسفناج- تهیه کردن- شکستگی‌های طبقات رسوبی زمین ۱۵- اقامتگاه مناسب تابستانی- مکتب آزادی‌خواهی.

حل سودوکو سخت

۲	۱	۳	۷	۵	۴	۹	۶	۸
۵	۹	۶	۲	۱	۸	۴	۷	۳
۸	۷	۴	۶	۹	۳	۱	۵	۲
۴	۲	۵	۸	۳	۶	۷	۹	۱
۹	۶	۷	۱	۴	۲	۳	۸	۵
۱	۳	۸	۹	۷	۵	۶	۲	۴
۷	۸	۹	۴	۲	۱	۵	۳	۶
۶	۵	۱	۳	۸	۹	۲	۴	۷
۳	۴	۲	۵	۶	۷	۸	۱	۹

حل سودوکو ۱۱۵۶

۳	۹	۶	۴	۷	۸	۲	۵	۱
۸	۲	۱	۶	۵	۹	۷	۴	۳
۵	۴	۷	۱	۳	۲	۶	۹	۸
۹	۷	۳	۵	۴	۶	۱	۸	۲
۲	۵	۸	۹	۱	۳	۴	۷	۶
۱	۶	۴	۲	۸	۷	۵	۳	۹
۷	۸	۵	۳	۶	۱	۹	۲	۴
۶	۳	۲	۷	۹	۴	۸	۱	۵
۴	۱	۹	۸	۲	۵	۳	۶	۷

جدول ۲۱۵۹

سودوکو ۱۱۵۷

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو سخت ۱۱۵۷

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۶	۸						۳	۵
	۹			۳			۶	۲
۳		۲			۱		۷	
۹			۴					۸
		۴				۶	۹	
	۷		۱			۵		
			۴				۵	۱
	۶				۸	۲		
۲					۷	۳		

سودوکو ۱۱۵۷

۵	۸				۴			
		۷	۵	۱		۹		
۱	۴				۷		۸	
	۵				۹	۶	۲	۴
	۱	۲	۶	۵	۳	۷		
	۶		۷			۳	۱	
		۵	۴	۳			۶	
۶	۹	۱					۳	۲
		۴	۹	۲			۵	